

## تدبیر اصولگرایان اصیل

سلیمان پاک‌سرشت، معاون اجتماعی و فرهنگی مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری  
۶ خرداد ۱۳۹۶

شماره مسلسل: ۴۴۰۰۳۲۰

شماره شاپا: ۵۳۸۵-۲۴۲۳

نسبی آن در بیشتر حوزه‌ها موجب شود تا انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۹۶ به مصاف برنامه‌ای دو جریان نیرومند اصول‌گرایی و اصلاح‌طلبی تبدیل شود و به ویژه اصول‌گرایان از این فرصت برای جدایی از جریان عوام‌گرایی اصول‌گرایانه استفاده کنند. اما شکل‌گیری زود هنگام تشکیلات جمنا چنین فرصتی را از جریان اصول‌گرایی اصیل ستاند. بار دیگر افراد و جریان‌هایی خود را ناجی اصولگرایان معرفی کرده و وارد عرصه رقابت شدند که نه به اصول پایبند بودند و نه به اصول‌گرایی. ادبیات مورد استفاده دو نماینده اصول‌گرایی در مناظره‌ها و نطق‌های انتخاباتی و رفتارهای خارج از عرف و قاعده آنان در روزهای آخر تبلیغات انتخاباتی و از همه مهم‌تر بی‌اعتنایی کامل به برنامه‌محوری، به خوبی موید این موضوع بود. در این میان جریان مولفه با معرفی کاندیدای خود، مصطفی میرسلیم، امیدهایی را برای بازگشت اصول‌گرایی اصیل به صحنه رقابت ایجاد کرد. عملکرد و برخی از اظهارات و نطق‌های میرسلیم در مناظرات به خوبی نشان داد که گرایش و پتانسیل جریان اصول‌گرایی اصیل برای ورود به رقابت منصفانه، اخلاق‌مدار و برنامه‌محور انتخاباتی بسیار بیشتر از جریانی است که جمنا آن را نمایندگی می‌کند. اوج این تفاوت در بیانیه‌های پس از اعلام پیروزی حسن روحانی آشکار شد. جایی که نمایندگان برجسته‌ی اصول‌گرایی گزینشی و عوام‌گرا در سخنانی پر نیش و کنایه و با کلی‌گویی‌های رایج، از تبریک به کاندیدای پیروز طفره رفتند و بیشتر سخن به گلایه و توجیه‌گشوند و در مقابل مصطفی میرسلیم با تبریک پیروزی حسن روحانی آمادگی خود را برای همکاری با دولت اعلام کرد.

اصلاح‌طلبان، اعتدال‌گرایان و دولت دوازدهم باید در راستای منافع ملی از فرصت و آمادگی اعلام‌شده استفاده کنند و با استقبال از همکاری جریان اصول‌گرایی با سابقه و اصیل در ساختن کشور، زمینه را بر شکل‌گیری دوقطبی‌های ساختگی، شعاری، اقتصادی، بی‌حاصل و هزینه‌زا در کشور ببندند. واقعیت آن است که به واسطه‌ی حضور نیرومند جریان عوام‌گرایی در چند انتخابات اخیر کشور، کشور دچار شکاف‌های عمیقی شده است. افشاگری، تسویه حساب‌های فردی، دروغ و افتراء، آمارسازی، تشکیک در همه امور و مواردی از این قبیل اگر به بخش طبیعی رقابت‌های سیاسی در کشور در ایام انتخابات تبدیل شده است، به دلیل بازدهی زیاد آن‌ها در جعبه ابزار عوام‌فریبی است. قطبی‌سازی‌های ناشی از جریان عوام‌فریبی ترمیم‌ناپذیر و معمولاً ساختارشکنانه هستند و به دلیل آنکه اغلب پوپولیسم هویت مستقلی ندارد و بر پیکره یک جریان مسلط

در فضای انتشار بیانیه‌های پر نیش و کنایه‌ی کاندیداهای بازنده انتخابات اخیر ریاست جمهوری، بیانیه آقای مصطفی میرسلیم در اعلام آمادگی برای همکاری با دولت را باید ارج نهاد و مورد توجه جدی قرار داد. واقعیت آن است که مدت‌هاست جریان اصول‌گرایی اصیل توسط کسانی نمایندگی می‌شود که در اصول‌گرا خواندن خود احتیاط به خرج داده‌اند. محمود احمدی‌نژاد در حالیکه با حمایت اصولگرایان به قدرت رسید هر جا که لازم شد از آن‌ها تبری جست و حتی معتقد بود اصولگرایان به او مدیونند. البته بیراه هم نمی‌گفت، بازخوانی عمل‌گرایانه و پوپولیستی باورهای اصول‌گرایی توسط او بود که راه را برای اقبال مردم (البته در کنار اشتباه استراتژیک اصلاح‌طلبان) به این جریان در سال ۱۳۸۴ هموار کرد. با شکل‌گیری و گسترش تشکل‌های پایبند به نسخه‌ی یادشده از اصول‌گرایی مانند آبادگران، پایداری و ... در عمل ابتکار عمل در تعریف اصول‌گرایی از دست جریان‌های اصیل و باسابقه اصول‌گرایی خارج شد. البته خود اصولگرایان نیز در این میان بی‌تقصیر نبودند. چرا که در یک رفتار دوگانه هر جا اثری از موفقیت‌های احتمالی دولت‌های مستقر بود حاضر بودند و به هنگام بروز سوء عملکردها، یا سکوت کردند و یا وقتی دیگر به اندازه کافی آس شور شده بود جریان‌های نوظهور و انحرافی را مقصر معرفی کردند. اصول‌گرایی گزینشی نه تنها به گسترش پایگاه اجتماعی اصولگرایان کمکی نکرد بلکه در مقابل راه را بر پوپولیسم کور و بی‌حساب و کتابی گشود که برای حصول نتیجه مورد انتظار هر اقدامی را جایز می‌شمرد. حسن روحانی در انتخابات سال ۱۳۹۲ این نوع اصول‌گرایی گزینشی و پوپولیستی را هدف قرار داد و با اقبال عمومی هم مواجه شد. انتظار می‌رفت نفی پوپولیسم دولتی از سوی مردم در کنار مشی اعتدالی دولت یازدهم و موفقیت‌های

سیاسی می‌روید و از آن ارتزاق می‌کند، علاوه بر منافع بلندمدت ملی، می‌تواند جریان‌های سیاسی را نیز قربانی خود کند. ممکن است کامیابی‌های پی‌درپی اخیر برای اصلاح‌طلبان و اعتدال‌گرایان آنها را به دام این خطای تحلیلی بباندازد که اصولگرایی در بحران، به نفع آنان است و شاید هم کشور. اما تجربه‌ی سال‌های گذشته به روشنی تایید می‌کنند که این کامیابی‌ها وقتی با حذف جریان رقیب همراه می‌شود، زمینه را برای بازگشت خیزش‌گونه‌ی آن فراهم می‌کند. رادیکالیسم و پوپولیسم دو محصول محتمل تمامیت‌خواهی جریان پیروز در انتخابات هستند و رای بالای پانزده میلیونی جریان ناکام در انتخابات اخیر می‌تواند زمینه‌ی اجتماعی مناسبی برای بروز هر یک از آنها باشد. تدبیر امروز اصلاح‌طلبان و اعتدال‌گرایان در استقبال از همکاری اصول‌گرایان راستین نقش مهمی در کاهش تبعات دوقطبی‌شدگی حاصل از انتخابات اخیر و هدایت آن به سوی رقابت سودمند سیاسی در آینده خواهد داشت. رقابتی که مصاف برنامه‌های جریان‌های اصیل سیاسی باشد و بین نمایندگان واقعی آن‌ها روی دهد.

استفاده از مطالب با ذکر منبع آزاد است.

متون سیاستی منتشرشده در شمس، بیانگر دیدگاه نویسندگان بوده و لزوماً نظر این شبکه نیست.